



بسم الله الرحمن الرحيم

خدا را بر ادراك يك ماه رمضان ديگر و درك فرصت تلاوت و استماع قرآن سپاسگزاريم. خدا کند که بتوانيم اين فرصت الهی را که يك بار ديگر هم به ما داده شد، قدر بدانيم و جواب خدای متعال را از اعطای اين فرصت - که آن را در چه راهی صرف کردیم و از آن چه استفاده‌ی کردیم - آماده داشته باشيم. از برادران عزيز قاری هم تشکر می‌کنيم که امسال در اين جلسه شرکت کرده‌اند؛ بخصوص برادرانی که از راههای دور تشریف آورده‌اند. امیدواريم که خداوند به همه‌ی شما توفيق بدهد و کمک کند که باز هم بتوانيد در اين راه پیش برويد.

آنچه که در مجموع، هم از اين جلسه و هم از تلاوتهای ديگری که گاهی از طريق صدا و سيما يا جلسات ديگر به گوش خورده، به دست می‌آيد، اين امیدواری را به ما می‌دهد که بحمدالله از لحاظ تلاوت و قرائت، پیشرفتمان خوب بوده است. اگر خودمان را با سالهای اول انقلاب مقایسه کنیم، باید بگويم که هم کیفاً و هم کمّاً پیشرفت کرده‌ايم؛ يعنی تعداد کسانی که استعداد خودشان را برای تلاوت نشان می‌دهند و صداهای خوش، حنجره‌های قوی و قدرت ابتکار و خلاقیت در خوانندگی دارند، زيادتر شده‌اند؛ از اين جهت ما خوشحاليم. امروز بحمدالله ما بعضی از اصوات گرم را از جوانانی شنيديم که آن تازگی صدای جوانی در تلاوتشان کاملاً محسوس است؛ اينها باید بدانند که ميدان برای پیشرفتشان خیلی باز است و به‌هیچ‌وجه حق ندارند در يك حد متوقف بمانند. توقف، يعنی سرازير شدن و تنزل.

از جهت حفظ هم همین‌طور بالنسبه پیشرفت داشته‌ايم. اگرچه در اين جلسه با حفظ محترم مواجه نشيديم، ليکن آن‌طور که مشهود است، جوانان و نوجوانان ما به حفظ اقبال کرده‌اند؛ منتها کم است. ما که در يك جامعه‌ی بزرگ و در يك کشور پهناور زندگی می‌کنيم، بایستی هزاران نفر حافظ قرآن داشته باشيم. کسانی که در سنين بالا هستند، شانس حفظ کردنشان کمتر است؛ اگرچه شانسشان منتفی نیست. البته بعضیها وقت نمی‌کنند؛ اگر وقت می‌کردند، می‌توانستند تجربه و آزمایش کنند. من خودم وقت نمی‌کنم؛ والا در همین سن هم شروع به حفظ قرآن می‌کردم. جوانان اين را بدانند که حتی در سنين ما اگر وقت و مجال بود، جا داشت و بهتر بود که کسی برای حفظ قرآن صرف وقت می‌کرد؛ در سنين جوانی اين کار لازم است. اصلاً بهتر اين است که همه‌ی مردم ما انشان با قرآن به گونه‌یی باشد که آیات قرآن به گوششان آشنا باشد؛ وقتی آیه‌یی را می‌خوانند، صدر و ذیل و قبل و بعد آیه برایشان آشنا باشد.

قراء محترم هم باید توجه کنند که قاری حافظ امتیاز زیادی بر قاری غیرحافظ دارد. اين جوانان و نوجوانانی که تازه شروع به تلاوت قرآن کرده‌اند - مثل همین نوجوان عزيزمان، (1) يا بعضی ديگر که صدایشان خوب است و آینده‌ی خوبی هم خواهند داشت؛ البته اگر زحمت بکشند - اينها باید از حالا برنامه‌ریزی کنند و حافظ قرآن باشند.

البته در تجويد هم الحمدلله پیشرفت قاریان ما خیلی خوب است؛ آدم می‌بيند کأنه تجويد دارد جزو طبيعت قرآنیون ما می‌شود؛ اين فايده‌ی محیط قرآنی است. من يادم هست پیش از انقلاب که ما در مشهد جلسات قرآن داشتيم - اين برادرانی که در اين جا تشریف دارند، اکثرشان يا خيليشان در آن جلسات بودند - گاهی اوقات برای آن که اين قاری ادای يك حرف يا ادای تجويدی را به شاگرد بیاموزد؛ مثلاً يك تفخيم و يا يك ترقيق بجا را ياد بدهد، جلساتی وقت صرف می‌شد؛ اما اين طرف هم با آن که جوان بود، ياد نمی‌گرفت، يا به زحمت ياد می‌گرفت؛ مگر کسانی که



استعداد داشتند؛ چون محیط، محیط تلاوت قرآن نبود و این صوت با گوشها انس نداشت؛ باید کسی در آن جلسات مدتها می ماند، تا یواش یواش به این سبک خواندن مأنوس می شد و می توانست درست ادا کند. امروز این طور نیست؛ انسان می بیند که این نوجوان این طور بخوبی تلاوت می کند و صدای صاد و ضاد و طاء و ظاء را مثل خود عرب زبانها ادا می کند؛ گویا اصلاً او عرب متولد شده است! این قراء عربی که به این جا می آیند، مکرر به من می گویند که ما تعجب می کنیم که قاریان شما چه طور این کلمات و حروف را - که صدایش با زبانشان بیگانه است - ادا می کنند! این برای چیست؟ برای آن است که محیط، محیط تلاوت قرآن شده است. ما سالهای متمادی این حرف را تکرار می کردیم که اگر جریان به سمتی حرکت کرد، تربیت آسان می شود؛ این از برکات جمهوری اسلامی است. چون جهت حرکت، جهت قرآنی است، خیلی راحت و آسان، فرم و شکل قرآنی در جوانان و حتی در استعدادها متوسط به وجود می آید. بنابراین، از جهت تجوید و ادای حروف و کلمات هم ما مشکلی نداریم؛ الحمدلله روزبه روز دارد بهتر هم می شود؛ مخصوصاً این جوانان با استعداد و خوبی که دارند می خوانند؛ اصلاً هر دفعه که می خوانند، می بینم ماشاءالله از دفعه ی قبل بهتر شده اند.

نکته یی که بنده می خواهم روی آن تأکید بکنم، این است که همه - چه افراد سابقه دار، چه افراد متوسط، و چه افراد تازه کار و تازه وارد میدان شده - باید احساس کنند این جایی که هستند، بالاترین نیست؛ جاهای بالاتری هم وجود دارد؛ باید سعی کنند آن جاها را تصرف و قبضه کنند؛ بنابراین رشد باید متوقف نشود. این جوانانی که با تشویقها مواجه می شوند و بجا هم تشویق می شوند - مثل همین نوجوان عزیزمان (2) که ماشاءالله خیلی هم خوب خواندند - باید متوجه باشند که این تشویقها نباید آنها را به اشتباه بیندازد؛ خیال کنند که دیگر حالا يك قاری شده اند! نه، هنوز خیلی کار دارد؛ هنوز این بسم الله الرحمن الرحيم است؛ و این هنوز ایجاد این میدان عظیم است؛ این شروع کار است؛ منتها شروع بسیار خوبی است. اگر بخواهیم این شروع را با مثلاً شروع آقای شحات انور مقایسه کنیم، این شروع، بهتر از شروع شحات انور است؛ به شرط این که مرتب زحمت مناسب بکشند. البته منظور این نیست که حنجره را خسته کنند و دائماً این طرف و آن طرف بروند و مرتب از اینها کار نمایشی بکشند؛ این هم درست نیست؛ من با این کار موافق نیستم. کار باید واقعاً منظم باشد؛ البته نمایش هم مقداری در کار منظم جا دارد. اگر ایشان (3) پانزده سال کار منظم و خوب بکنند، از این آقای که حالا از او تقلید می کنند، بهتر خواهند خواند؛ اما اگر بخواهیم الان را مورد قضاوت قرار دهیم، تفاوت زیادی وجود دارد.

حالا از ایشان عبور می کنیم و به سراغ این جوانان خوبی که می خوانند، می آییم. امروز يك نفر از این جوانان خواندند که صدای خیلی تازه و خوبی داشتند. (4) انسان در آن زنگ صدا، واقعاً آن بکارت صدای جوانی را حس می کند و درمی یابد که این صداها چه قدر قشنگ است. شما جوانان مبادا خیال کنید که وقتی صداتان بلند می شود و حضار الله الله و احسنت احسنت می گویند، معنایش این است که دیگر قضیه تمام شده است؛ نه، شما هنوز در اول راه قرار دارید؛ منتها استعداد و صداتان خیلی خوب است و اگر زحمت بکشید، خیلی خوبتر خواهید شد؛ معنای این تشویقها این است. من خیلی از شماها را می شناسم. برادری هست که هفت سال، هشت سال، ده سال است که دارد مرتب و منظم و جدی می خواند؛ این فرق دارد با برادری که چهار، پنج سال است دارد می خواند؛ لیکن همه ی شما برادران باید به این خصوصیت توجه کنید.

بینید، ما احتیاج داریم که در داخل کشور قرائی پیدا بشوند که در قرائت صاحب سبک باشند؛ حالا به همین قرائت مشهوری که ما می خوانیم - که قرائت «حفص» باشد - یا در کنارش هم قرائتهای دیگری که مثلاً در شمال آفریقا معمول است. این که شما می بینید مصریها دائماً قرائت «ورش» و «قالون» را می خوانند، به این دلیل است که این دو قرائت در آن جاها رایج است. مثلاً در لیبی و الجزایر و تونس، قرائت «ورش» در مکتبخانه ها تدریس می شود، نه قرائت «حفص». البته در دنیای اسلام قرائت «حفص» - همین قرائتی که حالا معمول ماهاست و آن را می خوانیم -



معروفتر است. من موافقم که برادران قرائتهای دیگر - بخصوص قرائات معروف؛ مثل قرائت «ورش» - را یاد بگیرند و بخوانند. ما باید به آنجا برسیم که وقتی قاری ما شروع به خواندن می‌کند، کیفیت ادا و بیان کلمات قرآنی توسط او به گونه‌ی باشد که حضار به همان اندازه که با زبان عرب آشنا هستند، تحت تأثیر قرار بگیرند؛ که هدف اصلی قرائت هم این است. شما که الحمدلله صدا و تجوید و قرائتتان خوب است، باید تلاش کنید به آنجا برسید که مثل شیخ مصطفی اسماعیل - که این آقایان قرآنی که به این جا می‌آیند، کمتر مثل او می‌خوانند - بتوانید کلام خدا را آن‌چنان ادا کنید که مستمع به همان اندازه‌ی که ظرفیت دارد، تحت تأثیر کلام الهی قرار بگیرد و آن فضا را احساس کند. شما باید در این زمینه صاحب سبک بشوید و دیگر مقلد این و آن هم نباشید؛ این آن حد اعلایی است که فعلاً مورد نظر ماست؛ این زحمت و تلاش و نوآوری لازم دارد.

نکته‌ی آخر راجع به این تواشیح است. من خیلی خوشحال شدم از این که دیدم برادران مشهدی ما (5) الحمدلله این نوآوری را کردند و آمدند شعر نو و آهنگ نو خواندند. البته چیزهایی از این تواشیح خیلی عربی است و ماها نمی‌فهمیم؛ عیبی هم ندارد و ما هم نفی نمی‌کنیم؛ اما آن چیزی که بسیار خوب است، این است که سبک، نوست شعر، نوست؛ دیگر تقلید محض از دیگران نیست. من غالباً به این برادرانی هم که در تهران مشغول هستند و همین گروه‌های تواشیح و همخوانی را دارند - که انصافاً هم بسیار خوبند - گفته‌ام که این قرآن خوانی مشترکی که شماها دارید، خیلی عالی است؛ واقعاً در دنیا کم‌نظیر است که این‌طور هفت، هشت نفر با هم همخوانی دارند؛ اما در زمینه‌ی این آهنگها و سرودهایی که درباره‌ی توحید و حضرت ختمی مرتبت (علیه‌و‌آله‌السلام) و یا راجع به موضوعات دیگر است، باید نوآوری کنید. شما این قصیده‌ی «بُرده» (6) و «لامیة العجم» (7) و قصاید شیخ کاظم اُزری (8) و این قصاید معروف عربی را که در هر محفل عربی بخوانید و در آنجا چهار نفر آدم عربی‌دان باشند، تا بیت اولش را خواندید، همه می‌فهمند که اصلاً شما چه می‌خواهید بخوانید؛ قصیده برایشان روشن است؛ این قصیده خوب است؛ آن وقت شما این را با آهنگ ابتکاری بخوانید؛ همین‌طور که الان این برادران با آهنگ جدید خواندند. صداهای شما هم الحمدلله از صداهای آنها کمتر نیست. هیچ لزومی ندارد که چون «طه الفشنی» یا دیگران این قصیده را خوانده‌اند، ما هم همیشه تا آخر همین را بخوانیم. البته اگر در شروع کار از آنها یاد گرفتیم، عیبی ندارد؛ اما انسان تا آخر که نباید همیشه تقلید بکند؛ باید نوآوری بکند. در مدح رسول اکرم و در مدح ائمه (علیهم‌السلام)، در مدح ماه رمضان، در مدح قرآن، درباره‌ی قرآن، و در مناجات باری‌تعالی، شعرهای بسیار خوب عربی ممتازی وجود دارد؛ اینها را بخوانید. امیدواریم که ان‌شاءالله روزبه‌روز این کار پیشرفت کند.

بنده اعتقاد قاطع این است که ما اگر بخواهیم قرآن در ذهنیت و فضای جامعه جا بیفتد، باید تلاوتگر قرآن زیاد داشته باشیم؛ به این خاطر ما دنبال تلاوت قرآن هستیم. این آهنگهای قرآنی دلها را متوجه قرآن می‌کند؛ صداهای خوش را باید در این چیزها استخدام کرد. هیچ مضمونی از مضمون کلام خدا شایسته‌تر نیست، برای این که در صدای خوشی جا بگیرد و صدای خوش حامل این کلام و بیان بشود؛ این از هر شعر و سخن ادیبانه‌ی بالاتر است.

مجدداً از برادران عزیزی که زحمت کشیدند و بخصوص از راههای دور تشریف آوردند، تشکر می‌کنیم و توفیقات همه‌ی شما را از خداوند متعال خواستاریم.

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته

1) آقای نظری

2)

3) 1 و 2. آقای فروغی



4) آقای طوسی

5) گروه تواشیح جامعه‌ی قاریان مشهد؛ آقایان: سادات فاطمی، رضا جاویدی، صادق جاویدی، مهدی صیاف‌زاده. \_\_\_

تنظیم: آقای شهید داوودی

6) الكوكب الدرية فی مدح خیر البرية»

7) شاعر: طغرابی ( 514 - 455 ق )

8) 1212 - 1143 ق